

«ماجرای نيمروز ۲» کليد خورد

فیلمبرداری «ماجرای نيمروز ۲» به کارگردانی محمدحسین مهدویان از هفته قبل در سکوت خبری آغاز شده است. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، «ماجرای نيمروز ۲» با بازی الناز شاکردوست جلوی دوربین رفته است. الناز شاکردوست در این فیلم نقش یک نیروی امنیتی ام‌آی ۶ را بازی می‌کند که در زمان جنگ تحمیلی در ایران نفوذ کرده است. شنیده می‌شود که الی الن، بازیگر مشهور انگلیسی نقش همسر الناز شاکردوست و سفیر انگلیس در عراق را بازی می‌کند. احمد مهرانفر و بهروز شعبانی هم بزودی جلوی دوربین می‌روند. گفتنی است؛ «ماجرای نيمروز یک» فیلمی به کارگردانی محمدحسین مهدویان، نویسندگی محمدحسین مهدویان و ابراهیم امینی و تهیه‌کنندگی محمود رضوی محصول سال ۱۳۹۵ است. این فیلم به تیرهای سال ۱۳۶۰ به دست گروه سازمان مجاهدین خلق ایران می‌پردازد. این درگیری‌ها پس از برکناری ابوالحسن بنی‌صدر به عنوان رئیس‌جمهور توسط مجلس شدت می‌گیرد و...

تولیزبون

«شب‌های هنر» به شبکه ۴ می‌رود

مسعود معینی‌پور، مدیر شبکه ۴ سیما با حضور در جمع اهالی رسانه از جدیدترین برنامه‌های این شبکه گفت. به گزارش «وطن‌امروز»، معینی‌پور درباره برنامه‌ها و رویکردهای جدید این شبکه اظهار کرد: در ماه محرم ۲ سریال متناسب با فضای این ماه داریم که احتمالا یکی از سریال‌ها «معصومیت از دست دررفته» ساخته داوود میرباقری باشد. البته ما به دنبال این هستیم که سریال‌هایی متناسب با کارکرد شبکه بگیریم. وی در بخش دیگری درباره تله‌تئاتر و تلفیلم عنوان کرد: بخش و تولید تله‌تئاتر و تلفیلم کارکرد ویژه شبکه ۴ است که فعلا بودجه‌ای برای آنها نیست ولی باید به سمت احیای اینگونه آثار بودیم. مدیر شبکه ۴ درباره برنامه‌های جدید شبکه نیز گفت: برنامه جدیدی در حوزه سینمای کلاسیک داریم که پنجشنبه‌ها روی آنتن خواهد رفت. همچنین برنامه‌ای در یک ماه آینده به پخش خواهد رسید که «شب‌های هنر» نام دارد و ۵ شب در هفته در حوزه‌های موسیقی، سینما، تئاتر، شعر و ادبیات داستانی روی آنتن خواهد رفت. از رویکردهای دیگر ما این است که برای همه برنامه‌ها سردبیر گذاشته‌ایم یا در حوزه کارگردانی هنری نیز ضعف جدی بوده است که روی آن هم در حال سرمایه‌گذاری هستیم.

سینمای جهان

همکاری جدید «ولبور استون» و «دل تورو»



«بنیسو دل تورو» در فیلم جدید «ولبور استون» با عنوان «دروغ‌های سفید» بازی می‌کند. به گزارش فارس به نقل از وایتی، ولبور استون این فیلم را با فیلمنامه‌ای خودنوشته کارگردانی می‌کند که نشأت گرفته از کار قبلی خود و رویاترگر عشق و هجران و ماجراهایی از یک خانواده است. شرکت «هایت‌هاوک کپیتال» سرمایه‌گذار مالی این پروژه است که به تهیه‌کنندگی «فرانکو سولوپین» و «راس کاتز» ساخته می‌شود. تولید این فیلم در فصل بهار در نیویورک آغاز می‌شود. در این داستان که ۳ نسل از یک خانواده را شامل می‌شود، دل‌تورو نقش یک کودک طلاق را بازی می‌کند که اکنون اشتباهات والدینش را در ازدواج خودش و فرزند پسرش که دارد تکرار می‌کند. او احساس می‌کند در دام افتاده و می‌خواهد خود را براند اما همه چیز برای او بیشتر از دست می‌رود. این دومین همکاری مشترک «ولبور استون» و «بنیسو دل‌تورو» است. آنها در سال ۲۰۱۲ اولین همکاری خود را در فیلم «وحشی‌ها» رقم زدند. «دل‌تورو» در سال ۲۰۰۰ برنده جایزه اسکار بهترین هنرپیشه نقش مکمل را برای بازی در فیلم «ترافیک» از آن خود کرد و در فیلم «۲۱ گرم» ساخته اینارتیو نیز نامزد جایزه اسکار بهترین هنرپیشه نقش اصلی مرد شد. «ولبور استون» یکی از پرافتخارترین سینماگران تمام‌تاریخ هالیوود است. او برنده ۳ جایزه اسکار است. استون یک اسکار را برای فیلمنامه اقتباسی «قطار نیمه‌شب» در سال ۱۹۷۸ و ۲ جایزه اسکار کارگردان برای فیلم‌های «پلاتون» و ۱۹۸۶ و «متولد چهارم جولای» ۱۹۸۹ دریافت کرد. استون همچنین ۸ بار نامزد دریافت جایزه اسکار شده است.

گفت‌وگویی «وطن امروز» با حامد عنقا، تهیه‌کننده و نویسنده سریال پرمخاطب «پدر»

# جامعه‌شنه شنیدن قصه حیاست

**محسن شهیمیرزادی:** این شب‌ها، بسیاری از مخاطبان تلویزیون منتظرند نیم ساعت از ۹ شب بگذرد تا به تماشای سریال «پدر» بنشینند؛ سریالی که قسمت‌های ابتدایی آن پشددت جنجالی شد و واکنش‌های بسیاری را به همراه داشت. این مجموعه تلویزیونی که پیش از این بنا بود در ماه رمضان روی آنتن شبکه ۲ برود این شب‌ها راوی داستان حامد محبوب و لیلا بیگدار است که از ۲ دنیای متفاوت به هم می‌رسند و اگر چه حامد در میانه قصه از دنیا می‌رود اما داستان به واسطه روایت غیرخطی‌اش همچنان ادامه دارد. حامد عنقا که پیش از این «تنهایی لیلا» را با مضمونی مشابه سریال «پدر» نوشته بود، این بار تهیه‌کنندگی اثر را هم بر عهده گرفته است و این روزها به خاطر موجی که سریال جدیدش به پا کرده، بیش از هر وقت دیگر مورد توجه رسانه‌هاست. با وی به گفت‌وگو نشستیم و از چالش‌های «پدر» پرسیدیم.

هیچ حرفی زده‌اید. مثل هنر دوران کمونیستی است. وقتی برای کسی جذابیت ندارد، هیچ اهمیت فایده‌ای ندارد ولی وقتی اثر هنرمندانه باشد، آن وقت توجه‌ها به آن جلب می‌شود و پیام فیلم هم منتقل خواهد شد.

■ شما ۲ بازیگر در این فیلم انتخاب کردید که پیش از این در میان مردم دیده یا شناخته نشده بودند و می‌شود روی مثبت آن را به پیش‌داوری مخاطب نسبت داد که چون هیچ موضع پیشینی برای برابر کاراکتر ندارد، آن را راحت‌تر باور می‌کند و اثرگذاری کاراکتر بیشتر خواهد شد. این اتفاق منتقدهای خود را هم دارد، چرا که معتقدند استفاده از بازیگر غیرچهره، مخاطب را در برابر فیلم محتاط کرده و نمی‌تواند براحتی توجه خود را به فیلم بپردازد و سلب‌رئی‌ها معمولا حجم بالای مخاطب را به فیلم جلب می‌کنند. هر دو دیدگاه را هم که بپذیریم، در نهایت این یک ریسک است که از جانب شما انجام شده است. در حالی که عمدتاً تهیه‌کنندگان برای پرمخاطب شدن آثارشان سلب‌رئی‌ها را برای نقش اول انتخاب می‌کنند. چرا چنین ریسکی کردید؟

از این ریسکی که کردم خیلی خوشحالم. یک دلایل آن است که باور دارم برای هر موفقیتی باید ریسک کرد و باید از حاشیه این خود خارج شد. من در این سال‌ها سریال پرمخاطبی که موج راه بیندازد و درباره آن حرف زده بشود کم نداشته‌ام، یکی از آنها «قلب بخی» بود که یک شهر را بهم ریخت یا در زمان «تغیلاب زبیا»، تکلیف برخی رسانه‌ها با ما مشخص نبود که الان باید فحش‌مان بدهند یا باید طرفدار فیلم باشند اگر فحش‌مان بدهند، نمی‌شود، چون درباره انقلاب اسلامی است. به دلیل برخی خشونت‌هایی‌تانسند طرفدارمان هم باشند. درباره «تنهایی لیلا» هم موجی راه افتاد. الحمدلله در هر سریالی که کار کردیم کسی بی‌تفاوت از کنارمان رد نشد؛ یا دوست‌مان داشت یا فحش‌مان داد. اما اتفاقی که برای سریال «پدر» افتاد با تمام اتفاقاتی که برای‌مان افتاده بود فرق می‌کرد. شاید به خاطر اینکه تهیه‌کننده این کار خودم بودم، یعنی کاری که می‌خواستیم بکنم در چارچوب بود و دیگر نیاز به چالش با مخاطب نداشته‌ام. اگر مفهومی مهمی را می‌گفتم نیاز به هماهنگی با تهیه‌کننده، کارگردان، بازیگر و... نبود. کاری را که می‌دانستم درست است انجام می‌دادم ولی در این مجموعه ریسک‌های خیلی بزرگی کردم. در یک مساجبه گفتم وقتی واکنش‌ها، شوخی‌ها و خنده‌ها را دیدم خیلی خوشحال شدم و واقعت هم همین بود، البته آن رسانه‌ها خاص با شیطنت این را تیرتر کرد اما شیطنتش هم به من لطف کرد. زمانی که مصاحبه می‌کنم، می‌دانم خبرنگاری که با من حرف می‌زند همه تلاشش را می‌کند مرا عصبانی کند، زیرا اگر مصاحبه من مصاحبه‌ای خنثی باشد و مثلا شما دائما قربان صدقه من بربود، از این مصاحبه تیر خونی درمی‌آید. اینجا من اهبتی ندارم، بلکه از لحن‌های که اثر روی پرده نمایش می‌آید، فقط اثر است که اهمیت دارد، نه من، نه بهرنگ توفیقی، نه امیرجهانی، نه ریحانه پارسا، هیچ کدام اهمیتی نداریم، این اثر است که باید دیده شود. من حاضر همه تیرها و انتقادات به سمت من بیاید اما هر شب ۲ مخاطب به مخاطبان سریال اضافه شوند و آن آیه‌های قرآن را در نهایت بخوانند

■ در میان انتقادهایی که به سریال پدر در فضای مجازی دیده می‌شد، بسیاری معتقد بودند روابط دختر و پسر اینگونه نیست، اینگونه عاشق هم نمی‌شوند... آیا ما در دورانی هستیم که از این جنس کاراکترها و رابطه‌ها دیده نمی‌شود یا این حرف‌ها را چیزی جز تفاوت نسل‌ها نمی‌دانید؟

از یک منظر می‌توانم از زبان درام و فیلم و داستان صحبت کنم. ببینید واقعت و عدم واقعت در دنیای درام، قصه متفاوتی است، ما در درام درباره استثنائات صحبت می‌کنیم و این متفاوت است از جریان سوپر رئالیستی منطقی که الان می‌بینیم. ما در این دنیای برساخته شده از خیال-که معنایش غیرواقعی بودن و سوررئالیست بودن نیست- یک قصه استثنایی پیدا می‌کنیم که این قصه استثنایی ممکن است سال ۱۳۶۰ استننا نباشد و عمومیت داشته باشد، ممکن است سال ۱۳۹۹ هم عمومیت داشته باشد. با این حال وقتی که ما کاراکتر لیلا را مطرح کردیم، هزاران لیلیای واقعی پیدا شد و یکی از آنها خانمی بود که در یک برنامه تلویزیونی با ریحانه پارسا شناخته و زندگی‌اش را مرور کرد و دیدیم که یک جاهایی از زندگی لیلیای قصه خیلی آزارچهره بود. لیلیا ما ۳ بار به دنبال پسر قصه رفت اما ایشان گفتند من روزی ۴۰ بار زنگ می‌زدم.

■ پس می‌توانیم بگوییم که این قصه اصلا استننا نیست؟

اصلا در زمان دفاع‌مقدس و بین‌رزمندها که زیاد بود، در دوران طلبگی ما هم خیلی زیاد شنیده می‌شد. این مساله در خانواده‌های متدین هم بسیار زیاد است. بازاری‌های فراوانی هستند که می‌بینیم دختر یک حاجی بازاری، زن شاگرد بازاری شده و در عین حال با پسر فلان تاجر ازدواج نکرده است. این مساله از همین جا نشأت می‌گیرد؛ وقتی یک خانواده‌ای که

دختر دارد، با یک پسر خوبی مواجه می‌شود، ابتدا اصلا به این فکر نمی‌کند که چقدر پول و زمین و ملک دارد. می‌گویند این پسر، آدم خوبی هست؛ همین دیالوگی که مجید مشیری در شبی که می‌خواهد دست عروس و

دامه را در دست هم بگیرد، می‌گوید: «ممکنه من خودم اینجوری زندگی نکرده باشم ولی دوست دارم دخترم یک شوهر اینجوری داشته باشه». این موضوع در طیفی از جامعه موضوع خیلی عادی‌ای است ولی اینها در جامعه امروز طیف پرسروصدایی نیستند. طیف پرسروصدا طیفی هستند که به هر دلیلی دوست ندارند این موضوع در جامعه مطرح شود، برای اینکه اگر مطرح شود برخلاف نظریات خمیستی‌شان، مدرن بودن‌شان، نظریه‌های برابری جنسیتی‌شان، برخلاف آن نگاه از عدالت اجتماعی که آنها دنبالش می‌کنند و در عین آزادی‌هایی است که برای‌شان اهمیت دارد، حالا می‌خواهد در پی آن دنبال آزادی حجاب، شغل یا هر چیز دیگری باشند. نمی‌خواهم قضاوت کنم که آیا درست است یا غلط. طبیعتا این بخش از جامعه که ممکن است این موضوع را در پیرامون خودش نبیند، امروز پرسروصداتر است.

■ صرفا پرسر و صداتر است ولی لزوما غالب اجتماعی نیست.

اصلا غالب اجتماعی نیست، وقتی از این زاویه به واقعی بودن یا نبودنش نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که هیچ مبنای تئوریکی برای آن وجود ندارد. نداریم کما اینکه ممکن است در خانواده من، مادرم به دختر با مقنعه، بی‌حجاب بگوید و ممکن است در یک خانواده‌ای همین که طرف یک روسری حریر هم داشته باشد از نظرشان خیلی باحجاب باشد (البته در این میان من هیچ قضاوتی نمی‌کنم). ما سعی کردیم در فیلم هیچ کس را قضاوت نکنیم، البته در این مدت همه ما را قضاوت کردند. بیشتر مرا قضاوت کردند، از اینجاست که من خودم را از طبقه سوم انداختم پایین (می‌خندد)، قصه شروع شد تا خلاصه هر چیزی را که می‌توانستند در زندگی ما مشخ

من تلاش کردم ۲ چهره شناخته‌نشده را بیاورم که از یک طرف آن پیش‌داوری در ذهن مخاطب درباره شخصیت واقعی نباشد و از طرف دیگر قصه را جوری نوشتم که از همان روز اول مخاطب جلوتر از چهره‌ها درگیر قصه شود، البته سینا و ریحانه هم خوب از پس کار برآمد و دیده شدند. ■ مساله حجب و حیا که شما به آن پرداخته‌اید، مساله‌ای نیست که تاکنون به صورت جدی در تلویزیون به آن پرداخته شده باشد و پرداخت به این مساله که مانند راه رفتن روی تیغ است، جسارت می‌خواست که شما به خرج دادید اما چرا؟!

من در این کار جسارتی نمی‌بینم. از نظر من چه پروژه «تنهایی لیلا» و چه این پروژه یک کار عادی و طبیعی بود و جسارتی هم اگر بود، جسارتی روی ایستادن بر این مفهوم- یعنی حیا و عفت- بود. من فکر می‌کردم داریم حرف عادی‌ای می‌زنیم، یعنی به نظرم عادی بود که یک پسرری اینچنین باشد یا یک خانواده‌ای وجود داشته باشد که آدم‌های ثروتمندی هستند و مال‌شان را از راه حلال پول می‌کنند و می‌دانند که باید اول پول کارگر را داد و فهمیده‌اند که تو اگر هزار تومان بدهی ۱۰ هزار تومان پس می‌گیری. الحمدلله روز به روز هم دارد وضع مالی‌اش بهتر می‌شود و شکرانه این وضع مالی خوبش، بهرمندی از این نعماتی است که خداوند به او داده. اگر بتواند به یک انسان کمک کند که او هم یک قدم جلو بیاید، این کار را می‌کند و سریال این را نشان می‌دهد. مثلا همین روزها بعضی از دوستان درباره لاکچری بودن نوشته‌اند و بعضی‌ها نوشتند که این تظلمیر آقا‌زاده‌ها هست و... تنها کاری که کردم این بود که یکی از سخنرانی‌های رهبری را بدون هیچ توضیحی، برای چند نفر از انبیا ارسال کردم. نگاه رهبر به ثروت و اینکه شیعه باشد، بهترین باشد را بخوانید. اگر ایشان را به عنوان رهبری و... قبول ندارید به عنوان انسانی که چهارتا کتاب خوانده که قبول دارید، این هم یک یک نظر به است. حتما بخوانید. آدم‌هایی که دوست ندارند بینند، دوست ندارند بخوانند، آدم‌هایی که ادعای مسلمانی

دارند و ادعا دارند عالم جهان اسلام را می‌شناسند و عالم دینی هستند ولی نمی‌توانند یک آیه قرآن را از روی قرآن درست بخوانند! یک نمونه حاج‌علی تهرانی‌ها در قدیم حزب مؤتلفه بود. آنها ثروتمندترین آدم‌های شهر بودند. از سال ۲۲ پول‌شان را برای نهضت گذاشتند. مثلا وقتی امام گفتند شرکت نفت اعتصاب کند، اینها و برخی از آنها به جای حقوق‌شان، پول دادند. ■ تفاوتی بین مسؤلوی که باید ساده‌زیست باشد و هم‌سطح بدم‌آمده‌ها و افراد عامی‌انل نمی‌شوند؟

بین حاج‌علی تهرانی‌ها و ویژه‌خواران نوکیسه‌ها و...؟ آنها زمانی را که باید خرج خواندن آیات و روایات و احادیث و کتب شهید مطهری و نظریات امام موسی صدر و... می‌کردند که بفهمند اصل چه می‌گوید، امام سجاد و امام صادق(ع) چه می‌گویند یا به نظریات اقتصاد چگونه نگاه می‌کردند و چه می‌گفتند، آن را خرج تراوشات ذهنی یک‌موسری افکار دیگر کرده و آنها را به عنوان فرانس قبول کردند. من به شریعتی بسیار علاقه‌مندم و به او احترام می‌گذارم ولی وقتی می‌خواهم درباره اسلام مطالعه کنم، کتاب اسلام‌شناسی ایشان برای من رفنس نیست. از احترام من به ایشان کم نمی‌شود ولی وقتی می‌خواهم درباره جهان‌بینی دینی مطالعه داشته باشم کتب مرحوم شریعتی رفنس نیست. ثروتمند بودن و متنعم و متمکن بودن در اسلام امر پسندیده‌ای است اما اگر تو دوست داری یک زندگی لاکچری داشته باشی یا به این دلیل زندگی لاکچری داری که فرزند فلان مسؤل هستی که اگر بر حسب تصادف ایشان در این سمت انتخاب شده و رشد نکرده بود، شما را به عنوان ابدارچی

شاید حسگرها مثل قدیم کار نمی‌کنند. مسؤلان حواس‌شان نیست، نگاه استراتژیک و راهبردی به موضوعات ندارد، اهمیت موضوعات را درک نمی‌کنند؛ اینکه مثلا حیا و عفت که یک موضوع مهم جامعه ما است و به آن نیاز است



عکس‌ها: اکسپرس، وطن امروز

هم جایی استخدام نمی‌کردند، چه رسد به اینکه با ماشین لاکچری‌ات عکس سلفی با دختر خانم‌های عجیب و غریب بگیری، فرق بگذار بین خودت آن شی که می‌خواستی میهمانی بروی و بخوابی و در خیابان راه بروی و در کافه دیالوگ‌های غلط از هایدگر و کانت بلغور کنی، با یک آدمی که همان شب زحمت می‌کشیده تا یک قران را دوهزار کند. ■ بگذارید برویم سراغ همان سؤال اصلی‌مان و از موضوع دور نشویم. دقیق‌تر سؤال‌مان را مطرح کنیم؛ حامد عنقا یک نفر هست که ۳ سال پیش «تنهایی لیلا» را با ایده پرداختن به مساله حیا و عفت ساخته است، امسال «پدر» را ساخته است و ممکن است ۳ سال دیگر پروژه دیگری را با این ایده بسازد. چرا در سیاست‌های فرهنگی حاکم، این نمونه‌ها انگشت‌شمارند؟ یعنی چرا در تلویزیون فقط یک حامد عنقا است که به این سمت حرکت می‌کند؟

شاید حسگرها مثل قدیم کار نمی‌کنند. مسؤلان حواس‌شان نیست، نگاه استراتژیک و راهبردی به موضوعات ندارند، اهمیت موضوعات را درک نمی‌کنند؛ اینکه مثلا حیا و عفت که یک موضوع مهم جامعه ما است و به آن نیاز است در نگاه کلان‌شان وجود ندارد. فکر می‌کنید همین الان ما سختی بیشتری کشیدیم تا فلان کار عادی یا کم‌داری را بسازیم؟ فکر می‌کنید وقتی برویم بگوییم می‌خواهیم یک کار با این مشخصات بسازیم قبول می‌کنند؛ اینکه مثلا حیا و عفت که یک کار عادی ساختن خیلی ساده‌تر از این کارهاست که می‌خواهسی حرف خدا پیغمبری بزنی. نگاه تردیدآمیز دارند تا یک روزنامه‌ای سازی را کوک می‌کند همه نگران می‌شوند چون آنها خیلی هم مطمئن نیستند این کار درستی است. روی موضوعات دینی کار کردن

تردید نداشتیم خیلی از دخترها به خاطر مرام حامد، دوست داشتند حامد پسرری باشد که به خواستگاری آنها می‌آید. مطمئنم هر چقدر ظاهر جامعه دارد با عجله به یک سمتی می‌رود، از آن سو بلائی هست که بر سرمان آمده. بلایی که سرمان آمده این است که در نظام جمهوری اسلامی ایران من

می‌گویم یک پسر از بین میلیون‌ها پسر صاحب عفت و حیاست ولی اتفاقا نصف آنهاپی که صاحب نهادهای فرهنگی هستند و از نهادهای رسمی ارتزاق می‌کنند، می‌گویند عفت واقعی است! ■ از اساس می‌توان گفت «پدر» اسپین‌آف<sup>۵</sup> ما دوست داشتم اسپین‌آف باشد ولی نبود. به سریال جدید منتقل شوند اما پدر متفاوت از اسپین‌آف تنهایی لیلا است اما سعی کردیم همان قاعده داستانی را دوباره رقم بزنیم و موضوع محوری‌مان همان باشد. ■ چرا تکرار؟

واقعت این است که من تردید نداشتیم تنه شنیدن این حرف‌هاست. تردید نداشتیم خیلی از جوان‌ها دوست دارند پدرشان شبیه حاج‌علی تهرانی باشد نه از خاطر بنز زیر پایش، به خاطر مرامش. خیلی از دخترها به خاطر مرام حامد، دوست داشتند حامد پسرری باشد که به خواستگاری آنها می‌آید. مطمئنم هر چقدر ظاهر جامعه دارد با عجله به یک سمتی می‌رود، از آن سو بلائی هست که بر سرمان آمده. بلایی که سرمان آمده این است که در نظام جمهوری اسلامی ایران من

ادامه در صفحه ۱۲